



مینو خانی، منتقد سینما و تلویزیون:

«گل سنگ» در گره افکنی، قابل قبول عمل کرده است

سریال «گل سنگ»، زیر ذره بین نقد روزنامه صبا

روایتی پرتعلیق از شک و فروپاشی



○ با توجه به تعدد سریال‌های نمایش خانگی، چه عاملی باعث شد «گل سنگ» توجه شما را جلب کند و آن را دنبال کنید؟

دو سه سال پیش، تعدد آثار به اندازه امروز غیر قابل محاسبه نبود و آدم می‌توانست مسیر مشخص‌تری برای دیدن آثار، از هر نوع و با هر ملیتی، ایرانی یا غیرایرانی، انتخاب کند؛ اما در این دو سه سال اخیر این تعدد به شدت افزایش یافته و پیگیری همه سریال‌ها عملاً ممکن نیست.

آنچه در مواجهه با «گل سنگ» در وهله اول توجه مرا جلب کرد، حضور مهتاب کرامتی بود؛ غیبت چندساله او در سینما و تلویزیون، یک‌باره این تلنگر را زد که ببینیم کرامتی پس از مدت‌ها بازگشته و حالا چه می‌کند. این یکی از مهم‌ترین دلایل اولیه پیگیری سریال بود، هرچند او خیلی زود از مجموعه حذف شد.

نکته دیگر، اتفاقی بود که در قسمت اول رخ می‌دهد؛ ما با یک حادثه جنایی مواجه می‌شویم و سپس تیتراژ ابتدایی را می‌بینیم که در پس زمینه‌اش تصاویری از گذشته وجود دارد. این ترکیب به ما خبر می‌دهد که قرار است با درامی خانوادگی روبه‌رو شویم که ابعاد جنایی نیز دارد؛ این تضاد میان تصور رایج از خانواده که باید در آن اتفاق‌های مثبت‌تری رخ دهد و وقوع یک حادثه جنایی، انگیزه دیدن را برای مخاطب بیشتر می‌کند.

در حالت کلی، اگر این اثر را با آنچه در ایران، در شبکه‌های نمایش خانگی و در تلویزیون ساخته می‌شود مقایسه کنیم، از نظر عناصر شکل دهنده یک سریال یعنی فیلم‌نامه، طراحی صحنه و طراحی لباس رتبه بدی ندارد. باید توجه داشت که چون موضوع قضای داستان کاملاً معاصر است همان چیزهایی که امروز در همه خانه‌ها و شهرها وجود دارد؛ طراحی صحنه و لباس کار چندان سخت و پیچیده‌ای نبوده است. حتی از روی نوع پوشش، مثلاً تونیک کوتاهی که مهتاب کرامتی بر تن دارد یا پوشش سر پروانه، می‌توان فهمید که این سریال متعلق به تاریخ ۱۴۰۳ یا ۱۴۰۴ است. به همین دلیل، طراحی، در عین سادگی، اثر را کاملاً «زمان‌مند» می‌کند؛ یعنی اگر همین پوشش و طراحی ده سال دیگر هم دیده شود، کسی که به تاریخ تحولات اجتماعی آگاه باشد، متوجه می‌شود این اثر مشخصاً متعلق به اوایل دهه ۱۴۰۰، حوالی سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ است. از این جهت، طراحی در عین سادگی قابل قبول از آب درآمده است. از نظر فیلم‌نامه نیز گره‌هایی که در داستان ایجاد می‌شود، نسبتاً قابل قبول و کمتر غیرمنتظره است.

○ این شیوه پیش بردن داستان، یعنی حذف شخصیت‌ها از طریق اتفاق‌های تصادفی را چطور ارزیابی می‌کنید و به‌طور کلی، فکر می‌کنید محور اصلی داستان «گل سنگ» حول چه چیزی شکل می‌گیرد؟

این اتفاق غیرقابل انتظار است، اما از طرف دیگر، پیش‌بردن داستان از طریق اتفاق‌های تصادفی، شیوه‌ای است که در این سریال به کار رفته است؛ چون تا اینجا سه نفر را از دست داده‌ایم؛ محبوبه، فرامرز و حالا، به نظر می‌رسد، نفر سوم باید ایرج باشد. در حالی که ما هنوز فقط هشت قسمت از سریال را دیده‌ایم و هر سه این حذف‌ها بر اساس اتفاقات تصادفی رخ داده است؛ یعنی فیلم‌نامه‌نویس برای حذف کردن شخصیت‌ها از اتفاق‌های تصادفی استفاده کرده است. با این حال، نسبت به آنچه در آثار دیگر می‌بینیم، این شیوه اندکی قابل قبول‌تر است.

در مورد محور اصلی داستان، در قسمت‌های ابتدایی به نظر می‌رسد که، همان‌طور که در بقیه آثار سینمایی آقای ایرج‌زاد دیده‌ایم که محور اصلی‌شان زن بوده، اینجا هم محور اصلی باید زن باشد؛ چراکه محبوبه شخصیت اصلی زن در ابتدای فیلم است. اما در ادامه، گویی این محوریت از محبوبه به پروانه منتقل می‌شود و ما باید ادامه حضور پررنگ زن و تأثیرگذاری‌اش را در نقش پروانه دنبال کنیم؛ چه با ازدواجی که شکل می‌گیرد و چه با ارتباطی که او ایجاد می‌کند تا پدر را از فضاها برهاند. گویی سررشته کارها و نقش‌آفرینی اصلی را حالا پروانه در دست دارد.

نکته دیگر این که بسیاری از اتفاقات و پیش‌برنده داستان بر اساس محوریت «شک» برنامه‌ریزی شده است؛ شکی که محبوبه به ایرج دارد، سپس شکی که ایرج به محبوبه پیدا

سریال «گل سنگ» به کارگردانی ابراهیم ایرج‌زاد و با بازگشت پرسروصدای مهتاب کرامتی به شبکه نمایش خانگی، این روزها یکی از پرمخاطب‌ترین آثار پلتفرمی است؛ اثری که داستانش از دل یک رابطه زناشویی و شک پنهان میان زن و شوهر آغاز

می‌شود و رفته‌رفته به روایتی از فروپاشی تدریجی یک خانواده بدل می‌گردد. سه منتقد سینما و تلویزیون، مینو خانی، پریسا ساسانی و فریده ذاکری در گفت‌وگو با روزنامه صبا به بررسی ابعاد گوناگون این سریال پرداخته‌اند. از تحلیل سبک پرتعلیق و پرسش‌گرانه ایرج‌زاد در روایت خانواده، تا بازی‌های درخشان مهتاب کرامتی و مهدی حسینی‌نیا و از نقد افت ریتم و شتاب‌زدگی روایت از میانه‌های سریال، تا حذف‌های بی‌دربی و گاه غیرقابل‌باور شخصیت‌ها. هر سه منتقد در یک نقطه هم‌داستان‌اند؛ «گل سنگ» با وجود ایده‌ای جذاب و ظرفیت بالا برای تبدیل شدن به اثری ماندگار، در پرداخت روایتی دچار آشفتگی شده و بخشی از پتانسیل خود را بر زمین گذاشته است.

زهرا طاهریان
گزارش

